



• چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۵۵

حدیث روز

امام حسین (ع): قناعت، مایه آسایش تن است.

ذکر روز چهارشنبه

صد مرتبه یا حی یا قیوم!

در محضر بزرگان

فروغ چشمان انسان وظیفه شناس

مرحوم علامه جعفری می فرمایند: در هیچ دوره ای از تاریخ بشری، نمی توانید منظره ای زیباتر از چشمان یک انسان پیدا کنید که فروغ احساس وظیفه، شعله ورش می سازد و نور الهی وظیفه، پرتو ابدی بر او می بخشد. وبسایت تبیان

کار یکلماتور

سید مصطفی صابری

- * سرمای نبودنت کو چه دلم را یخبندان کرد.
- * عمری با تمام نداشته هایم سر کردم جز نداشتنت.
- * لطفای بی بربر گرد، بیا، بمان، برنگرد.
- * روی سر بی کلاه همه منت می گذارند.

حکایت

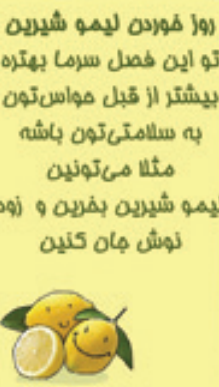
کبر با صبر نمی نشیند

اسکندر، بزرگی از اهالی یونان را طلب کرد. بزرگ عذر خواست و پیغام فرستاد که تو را کبر و مناعت است و مرا صبر و قناعت، تا آن ها با تو هستند نزد من نیایی و تا این ها با من است پیش تو نیایم.

درویش قناعتگر و سلطان توانگر پیوند نیابند به صد کاسه سریشم هر کس که تند تار طمع پیش و پس خویش خود دشمن خویش آید چون کرم بریشم

بر گرفته از «پریشان» قانی

قرار مدار



اندکی صبر

باغ شکوفه

رحمان امیری

عشق من در مسیر چشمانت پرواز کرده ام همچو پروانه ای تا بچینم از بیابان لب هایت شکوفه های خنده را...

ماوشما

* الحق که آقای خوش حال درست گفت همه زندگی ما هشتگ شده! * دختر گلم فاطمه جان خسته نباشی که کلی زحمت کشیدی و تو کلاس دوازدهم رشته تجربی بهترین معدل را گرفتی. پدر، مادر و برادرت، نیشابور * تازگی چقدر آگهی می دارین تو صفحه ها! خودتون چیزی از مطالب متوجه می شین بین این همه تبلیغات؟! صفری، کاشمر

اف. سی. خانجون

گریه نر وسط مسابقات بانوان؟



مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

از قدیم گفتن «صورت زیبای ظاهر چی نیست، خاک بر سرت!» این تیم حریف ما هم فقط رفته بود به قرو فرش رسیده بود، دوزار بازی بلد نبودن. سه چهار تا بهشون زدیم. ببین اوضاع چطوری بود که من دستام رو گذاشتم رو او، کر، رفتم بالا، دستام رو گذاشتم رو شونه های حریف هُذ دم تو دروازه که البته مناسب سنم نیست، ولی خیلی حال داد. حالا برای این که حوصله تون سر نره، من جزئیات این بازی و دوتا بازی بعدی رو که زدیم، این جانمیارم، می تونین برین تو اثر جدیدم، کتاب «المخاطرات الخانجون فی لیغ البرتر البیشکسوتین» بخونین.

خلاصه دو سه تا بازی رو زدیم و رسیدیم نیمه نهایی که گفتن مشاور وزیر می خواد بیاد. کلی هول کردیم که باز همون داستان فوتساله و لباس گرم می پوشیم و نفس کم میاریم که گفتن نگران نباشین، خانم هستن. یه مقدار خیال مون راحت شد ننه. یعنی من دو بار دیگه اون پتو پلنگیار و تنم کم برم توزمین، باید کپسول اکسیژنم هم با خودم ببرم، بعد اگه بخوره تو سر بازیکن حریف ممکنه داور خطا بگیره! بازی شروع شد و داشتیم تاکنیکمون رو به تیم حریف دیکته می کردیم که چشمت روز بد نبینه مادر! من نمی دونم، این درزو دالونای ورزشگاه رو چرا درست نمی بندن؟ بهود دیدیم یه گریه قدره خراومد داخل ورزشگاه. هیچی دیگه، هرکی از یه طرف جیغ زدورفت تور ختکن. اولین نفر هم مشاور وزیر رو با اسکورت به بیرون ورزشگاه هدایت کردن.

البته کسی از گریه نمی ترسه ها، الکی شایعه نکنین. ولی گریه به نر بود! دیگه بعد از اون فاجعه کل مسابقات رو تعطیل کردن و به زمان دیگری (که هنوز معلوم نیست کی باشه) موکول شد و ما هم برگشتیم به دنیای مسابقات سالتی.

فتو کاتور

پیش بینی ژاوی درباره آینده مد فرش قرمز جشنواره!



دور دنیا

آرایشگر کتاب دوست



فانکس نیوز- یک آرایشگاه در پنسیلوانیا، هنگام آرایش و کوتاه کردن موی کودکان در حالی که روی صندلی نشسته اند، برای سرگرم شدن آن ها کتاب در اختیارشان می گذارد و از آن ها می خواهد با صدای بلند بخوانند. او در آرایشگاه خود مکانی برای مطالعه کودکان با کتاب های متنوع در نظر گرفته است تا با این برنامه کودکان را به کتاب خوانی تشویق کند و اعتماد به نفس آن ها را برای بلند خواندن و حرف زدن در جمع بالا ببرد. علاوه بر این، این آرایشگر بعد از تمام شدن آرایش به هر کودک ۳ دلار هم جایزه می دهد.

سه نقطه



آسوشیتد پرسی | ژور «روایتی که به سالمدندان نرمش می دهد و سرشان را گرم می کند، فرانسه

تایخند

- مامانم پرسید خاویار بادمجون چیه؟ گفتم دقیقاً نمی دونم چیه ولی می دونم هیچ وقت خاویار به اون گرونی و باکالاسی با بادمجون همنشین نمیشه!
- بعضی هاین قدر در گیر زندگی ما هستن اگه در گیر زندگی خودشون بودن الان جای ما بودن و یکی در گیر زندگی شون بود!
- کاهو خریدم کیلویی ۱۵ هزار تومن. الان خودم رو گوسفند تصور کردم تا از خورندش نهایت لذت ببرم!
- فکر کنم تو برنامه ۹۰ ایران قهرمان جام ملت ها شده و گر نه این همه تمجید و تحسین منطقی نیست!
- قشنگ ترین قسمت فیلم دیدن توشب اینه که کل چراغ ها رو خاموش می کنی و در حالی که پتورو کشیدی روی خودت می گیری می خوابی!
- قدیم ها نونوایی به قدری شلوغ بود که صبح می رفتی شب برمی گشتی، چهار تا نزاع می دیدی سر نوبت، شاطرو می انداختن توتنور و... کلا درس زندگی بود همش. ولی الان چی؟ پوچ!
- من شکمو نیستم فقط دلم واسه غذا های سوزه که تو یخچال سردشون شده!

منتخب چی شده

لباس مخصوص فرش قرمز جشنواره رسید!



سلام. باز نمک هاتون کم شده بود ولی به هر حال ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متأسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر رو

انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

- * وقتی قراره با برویج برین فشن شوو بتر کونین!
- * وقتی هوا پس میشه، لباس انسان هم خزمیشه!
- * وقتی درخت ها در اعتراض به یادگاری نوشتن رو تنه هاشون اعتراض می کنن تا ثابت کنن که ما هم موجود زنده هستیم!
- * سید حسین آروند

- چرا این طوری خودت رو استتار کردی؟

- + ای بابا هیچی نگو بذار از جلوی مادر زنم رد بشیم، بهش قول دادم گوشت تنظیم بازار بگیرم که تمام شده بود!
- * خوبی دیگه به خاطر گرونی گوشت گیاه خوار که شدید، حالا هم به خاطر گرونی لباس و مسکن از این پوشش استفاده می کنیم!

- * حسن طبرانیان، چناران
- * آقا نترسین بهداد سلیمی می خواد از جلوی فدراسیون فوتبال رد بشه استتار کرده!
- * حسینی منش
- * وقتی هواشناسی پیش بینی می کنه که هوا به شدت سرد خواهد شد و لباس گرم بپوشید. با تجهیزات کامل میای بیرون و می بینی خبری از سرما نیست!
- * عباس باسفری
- * وقتی سلاطین متوجه شدن چندتا سلطان لورفته!
- * وقتی خانواده عروس در باره داماد تحقیق می کنن!

- * حسین یزدانی حصارى
- * وقتی پف فیل دوستت رو به زور خوردی و شب گولاخ های فیل و بچه محل هاشون میان به خوابت!
- * فرهاد دوست علی



آلامی | عروسک های مینیاتوری در نمایشگاه عروسک ها، انگلستان

تفال

بر بساط نکته دانان خود فروشی شرط نیست

یا سخن دانسته گویا مرد عاقل یا خموش

ساقیامی ده که نرندی های حافظ فهم کرد

آصف صاحب قران جرم بخش عیب پوش

از اون لحاظ

یار هشتاد میلیونم تیم ملی



محمد امین فرشاد مهر | طنزپرداز

چند روز پیش بازی های جام ملت های آسیا با قهرمانی باادآورده قطری ها به پایان رسید. آن ها با تعداد زیادی گل زده و یک گل خورده در حالی قهرمان شدند که تمام مدیران ناسا ایرانی هستند و حق ما بود که قهرمان شویم. از دیگر نکات قابل تامل بازی فینال این بود که ژاپنی ها مثل بازنده ها رختکن را تمیز و به سه زبان ژاپنی و عربی و انگلیسی از میزبان این بازی ها تشکر کردند. از ملتی که سر هیچ و پوچ هاراگیری می کنند انتظاری بیش از این نیست. تصور کنید اگر بازیکنان ما به فینال رسیده بودند، بعد از شکست چه حالی داشتند؟ احتمالا روی کمدی که ژاپنی ها تشکر کرده بودند، می نوشتند: آقای داور ما که رفتیم ولی اون صحنه تو نیمه نهایی خطا بود!

بازی ها تمام شد اما پایان یک مسابقه یا یک سری رقابت برای ما پایان کار نیست. ما مثل سایر ملت ها سوسول نیستیم. بازی ها که تمام می شود، تازه نوبت ماست که به عنوان یار دوازدهم تا هشتاد میلیونم وارد دوشوم و در فضای مجازی دمار از روزگار تیم های حریف درآوریم. غلط کرده اند خوب فوتبال بازی می کنند. شکست برای ما ایرانی ها معنا ندارد. این بار هم خدا را شکر عزیزان و کاربران فضای مجازی پا به میدان گذاشتند و سراغ صفحه بازیکنان ژاپنی رفتند. اما مسئله این جا بود این بار چون ژاپنی ها شبیه یکدیگرند، عزیزان کاربر دچار اشتباه شدند و به دیگر چهره های ژاپنی حمله کردند. مثلاً به جای «یویا اوسا کا» بازیکن تیم ملی فوتبال ژاپن، صفحه «سوگورو اوسا کا» دهنده دوی مارا تن را مورد عنایت قرار دادند. این مسئله به جایی رسید که پدر اوشین در پیجش عکس پرچم ایران را قرار داد و در بیو نوشت: «بنده ایرانی ام فقط خانواده کی چشم های بادامی شکلی داریم. این رل وید مادر اوشین.» به هر حال این جاقسمت کوتاهی از آن چه رابین یکی از کاربران غیور ما مایکی از فوتبالیست های ژاپنی رد و بدل شده بود، برایتان آورده ایم:

اُذر_۳۰۲۹: به ما گل مینزی؟ جیگر داری بیا ایران تا گل به خوردت بدیم.
Chan Kong Sang: 你们兄弟犯了一个错误

اُذر_۳۰۲۹: فارسی حرف بزن اگه مردی.

Chan Kong Sang: گفتم داداش داری اشتباه می زنی.

اُذر_۳۰۲۹: هیچم اشتباه نیست. تو غلط کردی با ما چپ افتادی.

Chan Kong Sang: آقا من چپ نیفتم ام. من یه اشتباهی کردم با پتشن

معذرتم خواستم. ولی شما اشتباه گرفتی.

اُذر_۳۰۲۹: غلط کردی اشتباه گرفتم. همین تو ژاپنی بچه درسخون مگه نبودی وسط زمین مثل فرقه می دیدی؟ یادت رفته؟!

Chan Kong Sang: عزیزم عرض کردم من اشتباه کردم ولی مورد م به چیز

دیگه بود، شما اشتباه گرفتی. من اصلاً ژاپنی نیستم، هنگ کنگی ام!

اُذر_۳۰۲۹: عه ببخشید داداش، نه که همه شبیهید آدم قاطی میکنه. شما؟

Chan Kong Sang: جکی چان!

یادش به خیر



آگهی فراخوان مزایده عمومی ۹۷/۱۶

مزایده گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی
موضوع مزایده: فروش انواع آهن آلات اسقاط و هشت قلم کالای اسقاط د یگر محل دریافت اسناد: مشهد، روبروی میدان بار رضوی، ابتدای بلوار شهید عباسپور، جنب نیروگاه برق و مقابل شرکت گاز
نشانی اینترنتی دریافت اسناد مزایده: (۱) سایت شرکت www.kedc.ir (۲) سایت معاملات توانیر www.Tavanir.org.ir
زمان بازدید و مهلت قبول پیشنهادات: از روز دوشنبه ۹۷/۱۱/۱۵ تا چهارشنبه ۹۷/۱۱/۲۴ از ساعت ۸ تا ۱۲ (بجز روزهای تعطیل رسمی و پنجشنبه)
تلفن برای کسب اطلاعات بیشتر: ۰۵۱۳۳۶۵۱۳۴۳ - داخلی ۳ - کارشناس مزایده

آگهی مزایده عمومی

ماشین کف شوی (اسکرابر) سرنشین دار



آستان قدس رضوی در نظر دارد تعداد ۸ دستگاه ماشین کف شوی (اسکرابر) سرنشین دار با مارک RCM ایتالیا مدل TERA 1102 مزاد بر نیاز خود را با شرایط ذکر شده در اسناد مزایده از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. جهت مشاهده متن کامل آگهی و مقادیر مورد نیاز به نشانی http://dev.aqr.ir/ بخش مناقصات/ مزایات مراجعه و حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۱۱/۲۷ نسبت به تحویل مدارک و پیشنهادات تکمیل شده به آستان قدس رضوی اقدام نمایید، ضمناً هزینه چاپ آگهی دروز نامه ها برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

شماره تماس ۰۵۱-۳۲۰۰۱۰۳۹

۰۲۱/۹۷۱۶۹۰۷